

مسئولیت کیفری اشتقاقی؛ نگره‌ای برای مقابله با جرم‌های سازمان یافته

فردین شقاقی^۱، باقر شاملو^۲، نسرین مهرا^۳

چکیده

بیش از دو قرن، مسئولیت کیفری بیشتر بر عهده مباشر مادی جرم نهاده می‌شد و گونه‌های دیگر مداخله در ارتکاب جرم از قبیل معاونت، استثنایی تلقی شده و تحت شرایط خاصی مورد تعقیب قرار می‌گرفت. امروزه، با دگرگونی رویدادهای اجتماعی و منطق حقوقی و گسترش جرم‌های سازمان‌یافته و روی آوری به اصل تقدم پیشگیرانه، قلمرو مسئولیت کیفری نیز دگرگون شده است. مسئولیت کیفری اشتقاقی، مسئولیت همکاران مستقیم و غیر مستقیم جرم می‌باشد که در قوانین ایران و دکتین حقوقی به صورت کامل پذیرفته نشده است. این نوع مسئولیت که دارای چهار پایه اساسی شامل عمومیت، سازماندهی مجازات رفتار اصلی و فرعی، هدف‌مندی و ادغام پذیری است، می‌تواند چندگانه باشد و محدود به اشتقاق اولیه نماند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته بهتر است حالت‌های اشتقاق چندگانه موازی و سریالی در قوانین کیفری به صورت صریح پیش‌بینی شود. این نگره نو می‌تواند از بی‌کیفرمانی عوامل دخیل در جرم و مجازات افراد غیر دخیل پیشگیری کند. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آرای قضایی با رویکرد توصیفی تحلیلی، جنبه‌های گوناگون نگره مسئولیت کیفری اشتقاقی را به عنوان مرزهای جدید عدالت کیفری با تکیه بر آرای قضایی مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: تبانی، جرائم سازمان‌یافته، شرکت در جرم، شروع به جرم،

مسئولیت کیفری اشتقاقی، معاونت در جرم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. (نویسنده
مسئول) shagagifardin@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
b_shamloo@sbu.ac.ir

۳. استاد تمام، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
n_mehra@sbu.ac.ir

درآمد

در نظام‌های سنتی حقوق کیفری، مسؤولیت کیفری بیشتر محدود به مباشر جرم و اعمال مادی او تلقی می‌شد؛ گویی تنها کسی که دست به ارتکاب فعل مجرمانه می‌زند، شایسته پاسخ‌گویی کیفری است. این تلقی در جرم‌های ساده و فردی کفایت می‌کرد، اما با پیچیده‌تر شدن ساختار جرائم در عصر حاضر، دیگر پاسخ‌گوی واقعیت‌های بزهکاری شبکه‌ای و سازمان‌یافته نیست. در بستر جرم‌های جدید، اشخاصی در پشت صحنه و با نقش‌هایی غیر مستقیم همچون طراحی، تسهیل‌گری یا تحریک، تأثیراتی بنیادین بر تحقق جرم دارند، بی‌آن‌که لزوماً دست خود را به فعل مجرمانه آلوده کرده باشند. این تحولات، نظام‌های حقوقی را با پرسشی اساسی روبه‌رو ساخته‌اند که چگونه می‌توان مسؤولیت کسانی را که در ارتکاب جرم نقشی مؤثر ولی غیرمستقیم دارند، به درستی بازشناخت و به عدالت کیفری نزدیک‌تر شد. پاسخ به این پرسش در مفهوم «مسؤولیت کیفری اشتقاقی» نهفته است؛ مفهومی که می‌کوشد زنجیره کامل ارتکاب جرم را با همه کنش‌گران مستقیم و غیرمستقیم آن در دایره مسؤولیت بگنجاند و از شکاف‌های سنتی در توزیع مسؤولیت عبور کند.

در واقع، اندیشه مسؤولیت اشتقاقی^۱ نه تنها پدیده‌ای مدرن نیست، بلکه سابقه‌ای دیرینه در تاریخ اندیشه حقوقی و حتی متون دینی دارد. برای نمونه، در کتاب مقدس، ماجرای نخستین نافرمانی بشر از فرمان الهی به روشنی نوعی مسؤولیت کیفری اشتقاقی را به تصویر می‌کشد. در این روایت، مار ابتدا زن را وسوسه می‌کند تا از میوه ممنوعه بچشد و سپس زن، آدم را نیز به انجام این عمل ترغیب می‌کند. هرچند خود مار فعلی ممنوع را انجام نداده، اما به سبب نقش تحریک‌آمیزش، مجازات می‌شود. در اینجا، مسؤولیت او از مسؤولیت مستقیم آدم و حوا سرچشمه گرفته و به عنوان مسؤولیتی غیرمستقیم، اما مؤثر شناسایی شده است (Hallevy, 2012: 1). این مثال تاریخی گواه آن است که درک بشر از مسؤولیت کیفری، از همان آغاز، تنها به فاعل مادی جرم محدود نبوده و بر نقش‌های تأثیرگذار پنهان نیز التفات داشته است؛ درکی که امروز در قالب نظریه مسؤولیت کیفری اشتقاقی، ساختارمند و حقوقی شده

1. Derivative Criminal Liability

است.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه جهانی در مسیر مبارزه با تروریسم، رابطه سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه فراملی است. برخی معتقدند تحولات جهانی پس از اتمام جنگ سرد، جهانی شدن و تامین مالی گروه‌های تروریستی باعث شده است تا رابطه بین گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته فراملی فعال در جرایمی نظیر قاچاق سلاح و مواد مخدر، آدم‌ربایی، پولشویی، جعل و ... با تروریسم پرننگ‌تر و پیچیده‌تر از گذشته شود (ابوالحسنی و بشیریه و یوسفی صادقلو، ۱۴۰۴: ۲۲۲). ماهیت جنایات بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اغلب به صورت غیرانفرادی و توسط گروهی ارتکاب می‌یابد که بر مبنای یک طرح مجرمانه مشترک عمل می‌کنند (کوشا و علیزاده، ۱۴۰۳: ۲۸۷). پرسش بنیادین آن است که وقتی جرم نه به وسیله یک فرد، بلکه به‌طور مشترک توسط چند نفر ارتکاب می‌یابد، مسئولیت کیفری هر یک از این افراد چگونه باید تعیین شود؟ برای قرن‌ها، قانون‌گذاران کوشیده‌اند تا مسئولیت شخصی را با اشکال گوناگون مسئولیت اشتقاقی تکمیل نمایند؛ مسئولیتی که بر نقش غیر مستقیم، اما مؤثر افراد در ارتکاب جرم تأکید دارد. پیشینه چنین تلاش‌هایی را می‌توان در سنت حقوقی انگلستان آنگلساکسون مشاهده کرد؛ جایی که انواع مشارکت در جرم به عنوان رفتارهای قابل مجازات شناخته شدند (Britain, 2007: 1). حتی در متون قانونی با قدمت چند قرن نیز، مانند قوانین قرن هفتم میلادی، نمونه‌هایی از پذیرش مسئولیت کیفری اشتقاقی دیده می‌شود (Wang, 2018: 1).

این بحث زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که تحولات اجتماعی، فناورانه و ساختاری عصر حاضر در نظر گرفته شود. امروزه با پیچیده شدن روابط انسانی، تخصصی شدن فعالیت‌ها و دگرگونی ابزارهای ارتکاب جرم، دیگر با بزهکاری‌های ساده و فردی مواجه نیستیم. جرائم سستی که غالباً با مشارکت محدود و شیوه‌های ابتدایی رخ می‌داند، جای خود را به جرائمی داده‌اند که به شدت سازمان‌یافته، چندلایه و فناورانه‌اند. در این بستر جدید، شاهد شکل‌گیری باندهای فراملی، سازمان‌های مجرمانه و شبکه‌های پیچیده‌ای هستیم که در آن‌ها افراد مختلف با مهارت‌ها، وظایف و منافع متفاوت، در سطوح مختلفی چون طراحی، تسهیل‌گری، پشتیبانی، یا اجرا در ارتکاب جرم دخالت دارند. هر یک از این افراد نقشی کلیدی ایفا می‌کند که حذف

یا نادیده گرفتن آن، به معنای فروپاشی طرح مجرمانه خواهد بود. با این حال، مفاهیم سنتی مانند «مشارکت» و «معاونت» که بیشتر بر الگوهای ساده، فیزیکی و مستقیم استوار هستند، دیگر توان شناسایی دقیق این نقش‌ها و انتساب منصفانهٔ مسئولیت را ندارند. حتی قواعدی چون سبب مقدم در تأثیر (ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی)^۱ نیز در مواجهه با این جرائم پیچیده ناکارآمد جلوه می‌کنند. در چنین شرایطی، حقوق کیفری ناگزیر از بازاندیشی در بنیان‌های مفهومی خود است. تنها با توسعه نظریه‌هایی مانند مسئولیت کیفری مبتنی بر نقش، شناسایی مسئولیت برای اقدامات تسهیل‌گرایانه و پذیرش الگوهای مدرن مانند مسئولیت کیفری جمعی یا مدیریتی می‌توان به درستی زنجیرهٔ مجرمانه را تحلیل کرد. تنها از مسیر این اصلاحات مفهومی و تقنینی است که می‌توان عدالت کیفری را از سطح نظری به سطح عمل رساند و از مصونیت ناعادلانه افراد مؤثر، اما پنهان در ارتکاب جرم جلوگیری کرد.

مفهوم مسئولیت کیفری اشتقاقی، اگرچه در ادبیات حقوقی ایران به صورت مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما در آثار مختلفی با عناوین نزدیک و مرتبط همچون «مسئولیت کیفری عاریتی»، «مسئولیت فعل غیر»، «شرکت در جرم» و «کانون مشترک مجرمانه» به نحو غیرمستقیم بررسی شده است. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که گرایش فزاینده‌ای به تحلیل مفاهیم موسع مسئولیت کیفری در رویارویی با جرائم پیچیده، سازمان‌یافته و شبکه‌ای وجود دارد. در همین راستا، عالی‌پور و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی «مسئولیت کیفری عاریتی» در بستر جرائم زیست محیطی پرداخته‌اند. ایشان با توجه به ماهیت پیچیده و غالباً غیرمستقیم این دسته از جرائم، تلاش کرده‌اند تا امکان انتساب مسئولیت کیفری به افرادی را تبیین نمایند که نقش مستقیم در ارتکاب فعل نداشته، ولی از طریق اشخاص دیگر در وقوع آن دخیل بوده‌اند. این پژوهش بر اهمیت «اشتقاقی‌سازی مسئولیت» در پیشگیری از جرائم زیست محیطی تأکید دارد. سلیمانی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با رویکرد فقهی، عناصر و

۱. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

سازکارهای جرم سازمان‌یافته را در پرتو قاعده «اعانه بر اثم» بررسی کرده است. این مقاله استدلال می‌کند که هرچند قاعده فقهی مزبور به تنهایی دلالت بر سازمان‌یافتگی ندارد، اما در بستر جرائم مدرن که همکاری‌های گروهی در فضای مجازی و واقعی گسترش یافته‌اند، می‌توان از آن به عنوان مبنایی برای توجیه مسئولیت کیفری جمعی بهره گرفت. جعفری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تلاش دارد تا سوء تفاهم‌های مفهومی موجود پیرامون این نهاد را رفع کرده و نشان دهد که مسئولیت بر فعل غیر در تقابل با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری نیست، بلکه می‌تواند در راستای اهداف عدالت کیفری و با تکیه بر اصول بنیادین حقوق جزا توجیه‌پذیر باشد. از سوی دیگر، یکرنگی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی «دکترین اقدام بر اساس هدف مشترک»^۱ پرداخته‌اند؛ این پژوهش با تأکید بر چالش‌های روانی و مادی این دکترین، امکان کاربرد آن را در نظام‌های حقوقی داخلی از جمله ایران، مورد بررسی قرار داده است. مطالعه رضایی و همکاران (۱۳۹۹) نیز با رویکردی تطبیقی، به تحلیل شیوه‌های مختلف انتساب مسئولیت کیفری به اعضای گروه‌های مجرمانه پرداخته است. آنان چهار مدل مسئولیت‌پذیری جمعی را در اسناد بین‌المللی شناسایی کرده و با بررسی شیوه غالب در حقوق ایران، پیشنهاداتی برای هماهنگی بیشتر با نظام بین‌الملل در مقابله با جرائم سازمان‌یافته ارائه کرده‌اند. در نقد نظریه سنتی شرکت در جرم، یوسفیان شوره‌دلی و رسولی آستانی (۱۳۹۷) استدلال می‌کنند که تعریف موجود از شرکت که بیشتر بر تحقق عنصر مادی مشترک متمرکز است، برای مقابله با جرائم پیچیده ناکارآمد است. ایشان پیشنهاد می‌کنند که الگوی مسئولیت کیفری در ایران باید به گونه‌ای بازطراحی شود که افراد دارای نقش‌های غیر مباشر ولی مؤثر نیز در دایره مسئولیت قرار گیرند. نتیجه آن نیز تأیید کننده نتیجه پژوهش حاضر است.

در مجموع، پیشینه موجود گویای آن است که گرچه در منابع فارسی از اصطلاح «مسئولیت کیفری اشتقاقی» به صراحت استفاده نشده است، اما زمینه‌های فکری و تحلیلی بسیاری برای پرداختن به این مفهوم در قالب نظریات مربوط به مسئولیت‌های غیر مستقیم، جمعی و سازمان‌یافته فراهم شده است. پژوهش حاضر می‌کوشد این مفاهیم پراکنده را در قالبی نظام‌مند تجمیع و تحلیل کرده و با ارائه

چارچوبی دقیق از ابعاد نظری و عملی مسؤولیت کیفری اشتقاقی، خلأ موجود در ادبیات حقوق کیفری ایران را تا حدی پوشش دهد.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مورد استفاده قرار گیرد؛ از جمله: کمک به قضات و حقوق‌دانان در صدور آرای عادلانه‌تر که در آن مجازات هر یک از مداخله‌کنندگان در جرم متناسب با میزان تأثیر آن باشد، اصلاح و تکمیل قوانین مربوط به معاونت و شرکت و تبانی در جرم و افزایش آگاهی عمومی نسبت به حقوق و تکالیف خود در این زمینه. در این مقاله سعی شده است به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داده شود: مسؤولیت کیفری اشتقاقی چه ویژگی‌هایی دارد؟ وضعیت مسؤولیت کیفری اشتقاقی در قوانین کیفری ایران چگونه است و چه اصلاح‌ها و تغییراتی نیازمند است؟ و سؤال بنیادی‌تر این‌که آیا نیازی به پیش‌بینی مسؤولیت کیفری اشتقاقی در قوانین کیفری می‌باشد یا نه. در این پژوهش ابتدا تعریفی از مسؤولیت کیفری اشتقاقی ارائه شده، در ادامه ویژگی‌های بنیادین آن بررسی و در نهایت گونه‌های آن از قبیل سریالی یا موازی بودن معرفی خواهند شد.

۱. مفهوم مسؤولیت کیفری اشتقاقی

مسؤولیت کیفری اشتقاقی همان‌طور که از اسمش پیداست، مسؤولیت کیفری است که از یک سرچشمه دیگر ریشه می‌گیرد. این ریشه می‌تواند جرم اصلی باشد که مسؤولیت کیفری شروع به جرم و تبانی از آن سرچشمه بگیرد و یا این‌که مرتکب اصلی جرم باشد که مسؤولیت کیفری همکاران در ارتکاب جرم از قبیل معاون و شریک از آن سرچشمه بگیرد. ویژگی اصلی مسؤولیت کیفری اشتقاقی، حالت اشتقاقی آن است؛ یعنی از یک سرچشمه دیگری گرفته شده است و خودش به تنهایی وجود خودپا ندارد. در کنار مسؤولیت کیفری مستقل که به صورت مستقیم به مرتکب فعل یا ترک فعل مجرمانه نسبت داده می‌شود، مواردی وجود دارد که مسؤولیت کیفری به فردی غیر از مرتکب اصلی فعل یا ترک فعل، به دلیل رابطه خاص او با مرتکب نسبت داده می‌شود. این نوع مسؤولیت کیفری، «مسؤولیت کیفری اشتقاقی یا ناشی» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، مسؤولیت کیفری اشتقاقی اتحاد مداخله‌کنندگان طولی و عرضی را در شکل‌گیری رفتار مجرمانه مورد تأکید قرار می‌دهد.

مسئولیت کیفری اشتقاقی بر حسب نوع اشتقاق، به دو نوع اشتقاق درونی و اشتقاق بیرونی تقسیم می‌شود (Hallevy, 2012: 68). در مسئولیت کیفری اشتقاقی از نوع اشتقاق درونی، رفتار شخص مسؤول و همچنین اوضاع و احوال سازنده جرم، از درون جرم اصلی ریشه می‌گیرد. برای این نوع از اشتقاق نیازی به هیچ رکن خارجی دیگری نیست؛ بنابراین، رکن مادی اشتقاق درونی، رکن مادی همان جرم اصلی است، غیر از این که نتیجه ندارد؛ یک مثال بارز برای اشتقاق درونی، شروع به جرم است. اجزای رکن مادی شروع به جرم قتل، همان اجزای رکن مادی جرم قتل است و صرفاً رکن نتیجه در آن مفقود است. رکن مادی جرم قتل سه رکن اصلی دارد: رفتار فیزیکی (فعل یا ترک فعل)، شرایط و اوضاع و احوال (انسان بودن مجنی علیه) و نتیجه (قتل شخص مورد هدف). اگر هر سه جزء از رکن مادی جرم قتل حاضر باشند، جرم قتل محقق خواهد شد. ولی اگر یکی از اجزای رکن مادی ناپیدا باشد، شروع به قتل پدید می‌آید. در واقع، جرم شروع به قتل از درون خود جرم قتل متولد می‌شود (Hallevy, 2012: 69)!

رفتار فیزیکی جرم‌ها می‌تواند از نوع فعل یا ترک فعل باشد؛ بنابراین نمی‌توان شروع به جرم را تسری‌پذیر به جرم‌های ناشی از فعل دانست؛ بلکه در جرم‌های ناشی از ترک فعل نیز درخور روی دادن می‌باشد. البته این موضوع بین حقوق‌دانان محل اختلاف است و عده‌ای شروع به جرم را در جرم‌های مبتنی بر ترک فعل، به کلی نشدنی دانسته‌اند (صبری، ۱۳۹۸: ۳۸۲). قوانین جزایی برخی از کشورها به روشنی بر توانایی رخ دادن شروع به جرم در جرائمی که رفتار فیزیکی آن‌ها ترک فعل است تصریح کرده‌اند. برای مثال ماده (۱) ۲۴ قانون جزای کانادا بیان داشته است «هر کس که به قصد ارتکاب جرمی در اجرای قصد خود کاری را انجام داده یا کاری را ترک

۱. البته استادان حقوق کیفری ایران قائل بر این هستند که در شروع به جرم صرفاً جزء نتیجه از رکن مادی ناپیدا می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۲۶). پذیرش نظر اول سخت است؛ زیرا شروع به جرم لزوماً نیازمند رفتار فیزیکی، یعنی شروع به عملیات اجرایی می‌باشد و نمی‌توان حالتی را که تنها شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه وجود دارند، ولی رفتار فیزیکی ناپیدا است، شروع به جرم دانست؛ برای مثال، حالتی را که فرد به روی دیگری اسلحه می‌کشد، ولی قبل از شلیک گلوله شخص مورد هدف در اثر سکنه فوت شود، نمی‌توان شروع به جرم دانست. گفتنی است که دیدگاه دوم نیز شروع به جرم را به جرم‌های مقید محدود ندانسته است و قائل به امکان روی دادن آن در جرم‌های مطلق نیز می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۳۸).

نماید، به شروع به ارتکاب جرم محکوم می‌شود، چه در آن شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم مورد نظر، ممکن و چه غیرممکن باشد». اگر جرمی تمام اجزای رکن مادی جرم دیگری را داشته باشد، به این معنی نیست که لزوماً از آن جرم مشتق شده است (Hallevy, 2012: 70). برای مثال، در کلاهبرداری مشدد تمام اجزای رکن مادی کلاهبرداری ساده نیز وجود دارد، ولی نمی‌توان گفت که کلاهبرداری مشدد از کلاهبرداری ساده مشتق شده است. این‌ها دو جرم ناوابسته هستند و هیچ‌یک از دیگری مشتق نشده است.

دگرسانی اشتقاق درونی و بیرونی در این است که در رکن مادی اشتقاق بیرونی، عناصری خارج از جرم اصلی نیز باید وجود داشته باشد؛ در حالی که در اشتقاق درونی عناصر سازنده مسئولیت کیفری از درون جرم اصلی ریشه می‌گیرند. اگرچه رکن روانی شروع به جرم ناهمگون با جرم تام می‌باشد، ولی این باعث نمی‌شود که آن را اشتقاق درونی ندانیم؛ برای مثال در جرم قتل، رکن روانی علم به نتیجه نیز می‌تواند بس باشد، ولی برای شروع به قتل باید هر آینه قصد به فرجام رساندن جرم قتل وجود داشته باشد.

در اشتقاق بیرونی افزون بر اجزاء رکن مادی جرم اصلی و مباشر مستقیم، اجزای بیرونی و یا افرادی غیر از مباشر نیز دست اندر کار هستند. آنجایی که این اشتقاق بیشتر به دلیل وجود اشخاص خارجی روی می‌دهد، این اشتقاق را به عنوان اشتقاق از طریق اشخاص خارجی نیز می‌گویند (Hallevy, 2012: 70). برای مثال، معاونت و شرکت در جرم هر دو اشتقاق بیرونی هستند؛ زیرا در هر دو مورد اشخاصی غیر از مرتکب اصلی، در وقوع جرم نقش دارند و مسئولیت کیفری آن‌ها از مسئولیت کیفری مباشر جرم سرچشمه می‌گیرد.

اشتقاق بیرونی محدود به شرکت و معاونت نمی‌باشد؛ بلکه جرم‌های سازمان‌یافته نیز از نمونه‌های بارز آن است. در جرم‌های سازمان‌یافته تمامی افراد گروه مجرمانه رفتار فیزیکی جرم خاصی را انجام نمی‌دهند، ممکن است یک کنش‌گر وجود داشته باشد، ولی چندین شخص برنامه‌ریز آن جرم باشند؛ بنابراین مسئولیت کیفری بقیه اعضای گروه که به صورت مستقیم در عملیات اجرایی جرم شرکت نداشته‌اند، از نوع مسئولیت کیفری اشتقاقی است. جرم‌های تروریستی

نمونه بارز جرم‌های سازمان‌یافته می‌باشند که ضرورت پیشگیری از آن‌ها، پذیرش مسئولیت کیفری اشتقاقی را پذیرفتنی می‌نماید. هم‌اندیشان مسئولیت کیفری اشتقاقی باور دارند که از این دریچه بهتر می‌توان از جرم‌های سازمان‌یافته پیشگیری کرد. در واقع اعتقاد بر این است که به دلیل خطرناکی این باندها، باید با پذیرش مسئولیت کیفری اشتقاقی برای همکاران مرتکب، از جرم‌های سازمان‌یافته پیشگیری گردد (Wang, 2018: 8). در تأیید این دیدگاه باید گفت که پذیرش مسئولیت کیفری اشتقاقی در جرم‌های تروریستی نه تنها ضرورتی پیشگیرانه دارد، تضمین‌کننده عدالت کیفری نیز هست؛ زیرا بسیاری از عناصر کلیدی این جرم‌ها در پشت صحنه و بدون ارتکاب رفتار مادی مستقیم نقش‌آفرینی می‌کنند؛ با این حال، باید توجه داشت که نظام‌های حقوقی در تمایز میان مشارکت واقعی و مداخله ظاهری یا صوری، گاه با چالش‌های جدی مواجه‌اند. برای مثال، در رویه انگلستان، گاهی همکاران در ارتکاب جرم به دفاع «پیشگیری از جرم» متوسل می‌شدند. در پرونده معروف کلارک^۱ متهم ادعا کرد که تنها پس از طراحی نقشه سرقت توسط دیگران به آن‌ها پیوسته است تا با همکاری پنهانی با پلیس از تحقق جرم جلوگیری کند. دیوان تجدیدنظر این امکان را پذیرفت که چنانچه هیأت منصفه قانع شود هدف نهایی متهم نه تسهیل بلکه خنثی‌سازی جرم بوده است، این رفتار می‌تواند دفاع محسوب شود (Horder, 2019: 489). این نمونه نشان می‌دهد که مرزبندی دقیق میان نقش‌های مجرمانه و مداخلات پیشگیرانه، یکی از حساس‌ترین بخش‌های بحث مسئولیت کیفری اشتقاقی در نظام‌های کیفری پیشرفته است.

در ارتباط با جرائم سازمان‌یافته، قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۲ تنها با رویکردی ناقص و حداقلی، صرفاً به تشدید مجازات سردسته گروه مجرمانه پرداخته است؛ بدون آن‌که قاعده‌ای روشن و جامع

1. ((1984) 80 Cr App R 344)

۲. هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

در خصوص مسؤولیت کیفری سایر اعضای گروه مجرمانه پیش‌بینی کند. این خلأ قانونی در حالی است که در بستر جرائم سازمان‌یافته، اعضای گروه غالباً در قالب نقش‌هایی غیرمستقیم، اما مؤثر همچون طراحی، تسهیل‌گری، تأمین منابع یا هماهنگی عملیاتی، در تحقق جرم نقش دارند. در چنین شرایطی، شناسایی مسؤولیت کیفری اشتقاقی برای سایر اعضا، اقدامی ضروری در راستای مقابله مؤثر با ساختارهای جنایی پیچیده است. ضرورت این اصلاح به ویژه با توجه به تصویب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی» در سال ۱۴۰۴ دو چندان می‌شود. مطابق ماده ۵ این کنوانسیون، صرف عضویت، سازماندهی یا مشارکت آگاهانه در یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته، بدون نیاز به اثبات مداخله مستقیم در عنصر مادی جرم ارتكابی، مستوجب مسؤولیت کیفری و مجازات تلقی شده است. بهترین مدل برای تعیین مسؤولیت کیفری اعضای گروه‌های مجرمانه، «مدل مسؤولیت کیفری اشتقاقی سازمان‌یافته» است؛ زیرا این مدل، با تحلیل نقش واقعی هر عضو در زنجیره ارتكاب جرم، مسؤولیت را به صورت سلسله‌مراتبی و متناسب با نفع، نقش و میزان دخالت فرد تعیین می‌کند. این رویکرد هم‌راستا با ماده ۵ کنوانسیون پالمو، اجازه می‌دهد حتی اعضای که مستقیماً در عنصر مادی جرم مشارکت نداشته‌اند، اما آگاهانه در طراحی، تسهیل یا پشتیبانی از ارتكاب جرم نقش داشته‌اند، مسؤول شناخته شوند؛ بی‌آن‌که اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری نقض گردد.

ناگفته نماند، این واقعیت که یک جرم شامل تمام عناصر اصلی جرم دیگر می‌شود، ولی توسط مرتکبین مختلف ارتكاب می‌یابد، لزوماً رابطه مسؤولیت کیفری اشتقاقی بین دو جرم ایجاد نمی‌کند؛ برای مثال، در جرم رشوه دادن و رشوه گرفتن، دو طرف عناصر مادی یکسانی را انجام نمی‌دهند، بلکه این‌ها دو جرم متفاوت هستند و هیچ‌یک از دیگری ریشه نمی‌گیرد.

۲. ویژگی‌های بنیادین مسؤولیت کیفری اشتقاقی

ویژگی نهادی مسؤولیت کیفری اشتقاقی در واقع اشتقاق آن از یک ریشه دیگر است؛ یعنی توانایی مشتق شدن از یک رفتار حقوقی دیگر (جرم اصلی یا مجرم اصلی). ویژگی اشتقاقی بودن این نوع از مسؤولیت کیفری در انواع آن و حتی

در اشتقاق‌های چندگانه سریالی و موازی وجود دارد. ویژگی اشتقاقی بودن این نوع مسئولیت کیفری چهار خصیصه اصلی دارد که در صورت مفقود بودن هر یک از شرایط، مسئولیت کیفری اشتقاقی منتفی است و اگر عمل ارتكابی مسئولیت کیفری بار آورد، دیگر از نوع مسئولیت کیفری اشتقاقی نبوده و مسئولیت کیفری مستقیم خواهد داشت. خصیصه‌های مسئولیت کیفری اشتقاقی عبارت‌اند از (Hallevy, 2012: 64): عمومیت^۱، سازماندی هر دو رفتار اصلی و فرعی^۲، هدفمندی معنادار^۳ و ادغام پذیری^۴. در ادامه، هر ویژگی به صورت تطبیقی در حقوق داخلی و کامن‌لا همراه با مثال‌هایی از پرونده‌های عملی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. عمومیت داشتن

مفهوم عمومیت به عنوان یکی از خصیصه‌های اصلی مسئولیت کیفری اشتقاقی بدین معناست که به طور کلی مسئولیت کیفری رفتارهای اشتقاقی در تمامی انواع آن از یک ریشه مجرمانه وجود می‌گیرد. در این فرمول می‌توان به جای معاونت، شروع به جرم یا شرکت یا تبانی و یا سردستگی را به عنوان مصادیق مسئولیت کیفری اشتقاقی قرار داد؛ بنابراین فرمول شروع به جرم «شروع به جرم الف»، فرمول تبانی «تبانی برای ارتکاب جرم الف» و فرمول شرکت در جرم «شرکت در جرم الف» می‌باشد. از این خصیصه مسئولیت کیفری اشتقاقی برداشت می‌شود که این نوع مسئولیت کیفری توانایی اشتقاق از تمامی جرم‌ها را دارد؛ اگرچه در قوانین کشورهای مختلف برخی از جرم‌ها از این قاعده کلی استثنا گشته‌اند؛ مانند قوانین کیفری ایران که شروع به جرم یا معاونت را در جرم‌های کم اهمیت جرم‌انگاری نکرده است.

جرم‌هایی وجود دارند که ماهیتاً معاونت یا شروع به جرم هستند، ولی اگر قاعده کلی پیش‌گفته در آن‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن‌ها را مسئولیت کیفری اشتقاقی تلقی نمود. برای مثال، در برخی از نظام‌های حقوقی که فحشا جرم‌انگاری نشده است، جرمی تحت عنوان تحریک به فحشا پیش‌بینی شده است؛ یا در نظام حقوقی ایران خودکشی با وجود این که جرم نیست، قانون‌گذار در مواردی تحریک به

1. Generality
2. Punishability
3. Purposefulness
4. Assimilation

خودکشی^۱ از طریق فضای مجازی و همچنین تحریک به خودکشی اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال را جرم‌انگاری کرده است.

۲-۲. سزای مجازات هر دو رفتار فرعی و اصلی

سزای مجازات ناظر بر دو مولفه اصلی فرمول پیش‌گفته می‌باشد؛ یعنی هم خود رفتار اصلی و هم رفتار مستوجب مسؤولیت اشتقاقی باید قابل مجازات باشند؛ به عبارت دیگر، هر دو رفتار باید در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده باشند. در نتیجه، اگر جرم ریشه یا رفتار مشتق شده قابل مجازات نباشند، کل ساختار از بین می‌رود و مسؤولیت کیفری اشتقاقی در آن مورد پدید نمی‌آید (Hallevy, 2012: 65). برای مثال، زمانی می‌توان از مسؤولیت کیفری اشتقاقی شروع به جرم کلاهبرداری سخن گفت که هم شروع به جرم (به عنوان یک نوع مسؤولیت کیفری اشتقاقی) و هم کلاهبرداری قابل مجازات باشند.

در نوشته‌های حقوق‌دانان ایرانی نیز برای تحقق مسؤولیت کیفری اشتقاقی از قبیل شروع به جرم، معاونت و تبانی، بر لزوم جرم بودن عمل اصلی تأکید شده است (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ۲۳۱). با توجه به عاریتی بودن معاونت، تردیدی وجود ندارد که کمک به ارتکاب رفتاری که اصل آن جرم نمی‌باشد، نمی‌تواند وصف مجرمانه داشته باشد و معاونت در جرم تلقی گردد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۶۹). معاونت در این مورد از باب مثال آورد شد، بلکه تمامی انواع مسؤولیت کیفری که در قوانین پیش‌بینی شده‌اند و یا باید پیش‌بینی شوند، تابع این قاعده هستند. برای مثال تبانی نیز یک نوع مسؤولیت کیفری اشتقاقی است که از جرم پایه جریان می‌گیرد؛ لذا صرف تبانی در عالم خارج وجود نداشته و جرم‌انگاری آن نیز معنایی ندارد. تبانی برای ارتکاب جرم الف در قوانین جرم‌انگاری شده است. خودکشی در نظام حقوقی ایران

۱. ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹: هرکس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی طفل یا نوجوان را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف) هرگاه رفتار مرتکب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛ ب) هرگاه اقدامات مرتکب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛ پ) هرگاه اقدامات مرتکب موثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

به عنوان یک جرم مستقل پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین هر رفتار مشتق در پیوند با آن، از قبیل کمک و تحریک و شروع و تبانی نیز قابل مجازات نخواهد بود و از پایه، مسئولیت کیفری اشتقاقی که ریشه آن خودکشی باشد، نمی‌تواند تحقق یابد. از طرف دیگر، جرمی تحت عنوان قتل در قوانین وجود دارد که رفتارهای در پیوند با آن از قبیل مطالعه در خصوص نحوه قتل و یاد گرفتن آن چون جرم‌انگاری نشده‌اند، مسئولیت کیفری به دنبال نخواهند داشت.

در برخی موارد، همدستی یا حتی تلاش برای ارتکاب جرم از چنان اهمیت اجتماعی و خطر بالقوه‌ای برخوردار است که تهدید حاصل از آن، گاه از خود رفتار مجرمانه‌ای که قرار است ارتکاب یابد نیز جدی‌تر تلقی می‌شود؛ با این حال، این اقدامات همواره مشمول جرم‌انگاری مستقیم قانونی نمی‌گردند. دلیل این امر، پای‌بندی نظام‌های حقوق کیفری به اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» است که مانع از آن می‌شود که هر رفتاری تنها به دلیل خطرناک بودن یا ناپسندی اجتماعی، مورد مجازات قرار گیرد، مگر آن‌که پیش‌تر در قانون تعریف و جرم‌انگاری شده باشد. این شکاف میان تهدید اجتماعی و جرم‌انگاری قانونی، ضرورت بازنگری در مبانی سنتی مسئولیت کیفری و گسترش نظریه‌هایی نظیر مسئولیت کیفری اشتقاقی را آشکار می‌سازد؛ چراکه گاه فردی که در یک ساختار جنایی پیچیده، نقش طراح یا هماهنگ کننده را ایفا می‌کند، بدون آن‌که خود هیچ کنش مادی مستقیمی انجام دهد، نقش مؤثرتری در ارتکاب جرم دارد تا مباشر فیزیکی آن. با این حال، نبود پیش‌بینی قانونی مستقیم برای برخی از اشکال همکاری، موجب می‌شود که تعقیب کیفری چنین افراد خطرناکی با مانع مواجه شود. نظام‌های حقوقی نوین برای پاسخ‌گویی به این چالش، باید مرزهای مسئولیت کیفری اشتقاقی را گسترش داده و اشکال جدیدی از همکاری در ارتکاب جرم، مانند معاونت در تبانی یا تحریک در تحریک را نیز به عنوان اشکال قابل تعقیب در نظر بگیرند.

۳-۲. هدفمندی معنادار

بین مسئولیت کیفری اشتقاقی و مسئولیت کیفری اصلی یک پیوند هدفمندی معنادار وجود دارد؛ بر این اساس، قصد در مسئولیت کیفری اشتقاقی این است که جرم اصلی به صورت کامل ارتکاب یابد (Hallevy, 2012: 66). برای مثال، قصد در

شروع به جرم قتل این است که جرم قتل به صورت کامل انجام گیرد؛ و یا زمانی که فردی دیگری را تحریک می‌کند که سرقت نماید، قصد دارد که سرقت به صورت کامل انجام شود؛ بنابراین عامدانه و هدف‌دار بودن از خصوصیات اصلی مسؤولیت کیفری اشتقاقی است که در همه انواع آن باید وجود داشته باشد و منظور از آن قصد به پایان رساندن جرم است.

هدفمندی به رابطه ذهنی بین جرم اصلی و مسؤولیت کیفری اشتقاقی تأکید دارد. هیچ‌یک از اشکال مسؤولیت کیفری اشتقاقی بی‌دلیل یا بدون قصد ارتکاب نمی‌یابد. پشت هر شکل از مسؤولیت کیفری اشتقاقی یک هدف بسیار مشخصی برای به فرجام رساندن آن جرم وجود دارد که مبنا و انگیزه اعمال مسؤولیت کیفری اشتقاقی است. هیچ شخصی شروع به جرم نمی‌کند تنها برای این که شروع به جرم کرده باشد. شروع به جرم با این هدف انجام می‌شود که جرم اصلی به صورت کامل انجام گردد. اگر فردی قصد شروع به جرمی نماید، نمی‌توان آن را شروع به جرم دانست؛ برای مثال، اگر فردی بخواهد با شلیک گلوله به سمت دیگری آن را بترساند و شروع به جرم قتل نماید، شروع به قتل محقق نخواهد شد. در این موارد شلیک را باید جرم تام تهدید یا ایراد ضرب و جرح دانست. چون هیچ قصدی برای به فرجام رساندن جرم قتل نبوده است، شروع به جرم نمی‌باشد. وقتی شخصی دیگری را تحریک به سرقت می‌نماید، هدف وی انجام یافتن سرقت است. در رویه قضائی ایران نیز از روی قصد بودن اعمال شخصی که مسؤولیت کیفری اشتقاقی دارد، در بحث معاونت تحت عنوان وحدت قصد ضروری دانسته شده است.^۱ بایستگی مشارکت از روی علم در جرم اقتضا می‌کند که نخست، بین قصد معاون و افعالی که فاعل اصلی جرم مرتکب می‌شود، وحدت کامل وجود داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۷۰). به عبارتی دیگر، هر یک از نمونه‌های مسؤولیت کیفری اشتقاقی که در قانون جرم‌انگاری شده‌اند، مانند هر جرم دیگر دارای رکن روانی نیز می‌باشند؛ برای مثال، ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص شروع به جرم عبارت «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده ...» را به کار برده است و یا تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی^۲ وحدت قصد را

۱. دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۸۶۹۹۱۰۰۷۵۲، سال ۱۴۰۱، شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان خوزستان؛

دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۱۹۷۹۳۰۰۳۲۴، سال ۱۳۹۵، شعبه سی و ششم دیوان عالی کشور.

۲. اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا

برای معاونت شرط دانسته است؛ بنابراین موارد غیرعمدی را باید از دایرهٔ مسئولیت کیفری اشتقاقی خارج ساخته و به عنوان مسئولیت کیفری خودپا در نظر گرفت. ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی^۱ بر خلاف این خصیصه عمل کرده و شرکت در جرم را به صورت عمدی و غیرعمدی در کنار هم قابل تحقق دانسته است.

۴-۲. ادغام پذیری

ویژگی ادغام‌پذیری در واقع ویژگی تکمیل‌کننده و برعکس اشتقاقی است. با توجه به این ویژگی، هر یک از انواع مسئولیت کیفری اشتقاقی ممکن است تحت شرایطی در جرم اصلی ادغام شوند. ادغام به همان شیوهٔ اشتقاقی، ولی به صورت برعکس صورت می‌گیرد (Hallevy, 2012: 67). نمونهٔ مسئولیت کیفری اشتقاقی، شروع به جرم است. فردی اسلحه‌ای را با هدف کشتن دیگری به سمت سر وی نشانه گرفته و ماشه را می‌کشد. در این حالت اگر گلوله به سر وی اصابت نکرده و منجر به فوت وی نشود، در حد شروع خواهد بود. ولی اگر به وی اصابت کرده و او را بکشد، جرم تام قتل محقق می‌شود. در چنین مواردی توانایی نسبت دادن شروع به جرم قتل و خود جرم قتل هم‌زمان به یک شخص ممکن نیست و شروع به قتل در جرم تام قتل ادغام شده است. برای مثال، فرد الف، فرد ب را تحریک می‌کند که جرم سرقت را مرتکب شود، فرد ب به شرطی آن را قبول می‌کند که الف نیز در ارتکاب جرم مشارکت نماید، الف نیز موافقت می‌کند، در این حالت نیز معاونت در سرقت در جرم سرقت ادغام می‌شود و هر دو به جرم سرقت محکوم می‌شوند. شعبه دیوان عالی کشور ایران نیز در یک رأی بیان داشته است: «نمی‌توان در ارتکاب جرم واحدی،

تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد؛ ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛ پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

۱. هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آن‌ها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

راجع به تأثیر مداخله یک فرد، هم‌زمان دو نقش متفاوتی قائل و وی را ابتدا به عنوان معاون جرم و بار دیگر به عنوان فاعل مستقل آن جرم محکوم نمود»^۱.

۳. تفکیک مسؤولیت کیفری اشتقاقی از مفاهیم مشابه

وقتی صحبت از مسؤولیت کیفری اشتقاقی می‌شود ممکن است انگاشته شود که این همان مسؤولیت کیفری نیابتی است که در قالب مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری در قوانین کیفری ایران پیش‌بینی شده است و یا ممکن است این‌گونه به ذهن تبادر شود که مسؤولیت کیفری اشتقاقی به دنبال جرم‌انگاری عملیات مقدماتی جرم است. در این بخش مسؤولیت کیفری اشتقاقی از مفاهیم همانند تفکیک خواهد شد.

۳-۱. تفکیک مسؤولیت کیفری اشتقاقی از مسؤولیت کیفری نیابتی

مسؤولیت کیفری نیابتی امروزه کمابیش در قوانین جزایی تمامی کشورها جا باز کرده است و بیشتر در مواردی دیده می‌شود که یک رابطه فرادستی و فرودستی وجود دارد. جایی که اشخاص حقوقی و یا حقیقی از عمل دیگری سود می‌برند، به دنبال این سود، مسؤولیتی را که از عمل آن شخص ناشی می‌شود نیز باید پذیرا باشند (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۶). دو نمونه آشکار مسؤولیت کیفری نیابتی که در حقوق کامن‌لا و ایران مورد پذیرش قوانین کیفری قرار گرفته است، مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری و مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌باشد. این نوع مسؤولیت در حوزه‌های نوپیدا همچون امنیت سایبری نیز نمود یافته است؛ برای مثال، در مواردی که یک مدیر سایت با وجود آگاهی از استفاده غیرقانونی از بستر دیجیتال خود توسط کاربران (مانند حملات سایبری یا انتشار بد افزار)، هیچ اقدامی برای پیشگیری نمی‌کند، ممکن است به صورت نیابتی مسؤل شناخته شود. همچنین می‌توان به مواردی چون نشر محتوای مجرمانه توسط کارکنان رسانه‌های جمعی، آزار جنسی در محیط کار توسط زیر دستان، یا نقض مقررات زیست محیطی توسط کارکنان شرکت‌های صنعتی (K. Puji Prayitno & D. Hapsari Retnaningrum, 2019: 264) اشاره کرد که در آن‌ها، اشخاص حقیقی یا حقوقی به دلیل سود بردن یا نداشتن نظارت کافی،

۱. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۶۰۰۷۲۷، شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور، ۱۳۹۱.

مسئولیت کیفری رفتار دیگری را متحمل می‌شوند.

مسئولیت نیابتی فقط محدود جرم‌های عمدی نبوده و دامنه شمول آن جرم‌های غیرعمدی را نیز در بر می‌گیرد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰)؛ چون هدف از پیش‌بینی مسئولیت کیفری نیابتی این است که اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی که رابطه قراردادی با زیر دستان خود دارند، به صورت پیوسته اعمال آن‌ها را بازبینی کرده و از بروز خطرهای پیشگیری نمایند. از این رو منطقی است در قبال جرم‌های ناشی از تقصیر مباشر نیز مسئولیت کیفری داشته باشند؛ در حالی که مسئولیت کیفری اشتقاقی به صورت غیر عمدی امکان تحقق ندارد؛ زیرا یکی از خصیصه‌های سازنده این نوع از مسئولیت کیفری هدف‌دار بودن رفتار آن است. در این خصوص عده‌ای بر این باورند که مسئولیت کیفری نیابتی به هیچ عنوان همانند مسئولیت کیفری اشتقاقی (البته اگر عاریتی را مترادف با اشتقاقی بدانیم) نیست و دلیل می‌آورند که در مسئولیت کیفری اشتقاقی که از نمونه‌های آن معاونت می‌باشد، بایستی معاون در راستای ارتکاب جرم قصد خود را به طریقی نشان داده و در جهت آن اعمالی انجام داده باشد، در حالی که در مسئولیت کیفری نیابتی نیازی به این موارد نیست (کوچی، ۱۳۹۳: ۱۹). دیدگاه بالا قابل پذیرش نیست؛ زیرا نه مسئولیت کیفری نیابتی محدود به مواردی است که شخص مسؤول بدون هیچ دخالت و حتی آگاهی در مورد جرم مباشر مسئولیت کیفری دارد و نه مسئولیت کیفری اشتقاقی محدود به معاونت می‌شود که حتماً نیازمند انجام رفتاری در راستای ارتکاب جرم باشد. همان‌طور که در بخش دوم مقاله گفته شده، مسئولیت کیفری اشتقاقی همواره دارای چهار خصیصه اصلی و بنیادین می‌باشد که در میان آن‌ها لزوم انجام فعل مادی به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین می‌توان نمونه‌هایی از مسئولیت کیفری نیابتی را مسئولیت کیفری اشتقاقی دانست. در مواردی از مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری، ممکن است شخصی که بر پایه رابطه نظارتی یا قراردادی مسؤول شناخته می‌شود، خود نیز به عمد در ارتکاب جرم دخالت داشته باشد. برای مثال، مدیرعامل یک شرکت به‌طور آگاهانه و با قصد پیشین به کارمند واحد حسابداری دستور می‌دهد که دفترهای مالی شرکت را جعل کند تا بخشی از درآمدهای واقعی مخفی شده و مالیات کمتری پرداخت شود. کارمند به موجب دستور مدیر اسناد مالی را تغییر می‌دهد و مرتکب جرم جعل

و استفاده از سند مجعول می‌شود. در این وضعیت، کارمند به عنوان مباشر جرم مسئولیت کیفری مستقیم دارد و مدیر عامل بر مبنای رابطه سلسله مراتبی و نظارت شغلی، به موجب قواعد مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری (مسئولیت نیابتی) مسؤول شناخته می‌شود؛ با این حال مسئولیت مدیر عامل در این مثال، صرفاً ناشی از رابطه سازمانی نیست، بلکه به دلیل صدور دستور مجرمانه و دخالت آگاهانه و عامدانه در فرآیند ارتکاب جرم، جنبه اشتقاقی نیز پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان معاون یا شریک جرم مورد تعقیب قرار گیرد. به این ترتیب، در این قبیل موارد، مسئولیت کیفری نیابتی با مسئولیت کیفری اشتقاقی توأمان می‌شود و شخص مسؤول هم به دلیل رابطه نظارتی و هم به علت قصد مجرمانه و نقش فعال در جرم، پاسخ‌گو خواهد بود.

۲-۳. تفکیک مسئولیت کیفری اشتقاقی از مسئولیت کیفری ناشی از فاعلیت

معنوی

فاعل معنوی جرم، مغز متفکر جرم است که بدون ارتکاب رکن مادی جرم به هدف خویش نائل می‌شود. او جرم مورد نظر را توسط افراد بدون مسئولیت کیفری یا افرادی که دارای حسن نیت می‌باشند و با هدف انجام وظیفه، مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند انجام می‌دهد. این افراد واسطه، رکن روانی ندارند و در این حالت، مرتکب جرم همان برانگیزنده است که با مهندسی او دیگری جرم را انجام می‌دهد و مباشر هم واسطه‌ای بی‌تقصیر محسوب می‌شود (غلامی و بحیرایی، ۱۳۹۶: ۸). سبب اقوی از مباشر آشکارترین نمونه فاعلیت معنوی می‌باشد. شماری باور دارند چنانچه منظور از فاعل معنوی حالتی باشد که وی جرم را از طریق فاعل مسؤول انجام دهد، چنین فردی معاون جرم است و توانایی جداسازی آن از برانگیزنده و ترغیب کننده جرم وجود ندارد؛ لذا با وجود معاونت، استفاده از معنای گذشته بی‌فایده است (اردبیلی و فروتن، ۱۳۹۵: ۱۴).

در برخی موارد استثنایی که جرم مورد نظر نیاز به سوء نیت ندارد (مانند جرائم مبتنی بر مسئولیت مطلق)، ممکن است هر دو - یعنی سبب ساز و عامل بی‌گناه- مسؤول شناخته شوند. در این موارد مسئولیت کیفری سبب اشتقاقی می‌باشد؛ چون از مسئولیت کیفری مباشر سرچشمه می‌گیرد (Baker, 2016).

22; Hallevy, 2012: 165)، اما در جرائمی که نیاز به عنصر روانی دارند، فقط کسی که قصد مجرمانه داشته، یعنی همان سبب ساز، باید پاسخ‌گو باشد؛ بنابراین در این وضعیت مسئولیت کیفری فرد نه از مسئولیت شخص دیگر، بلکه از تقصیر شخصی خودش و بهره‌گیری از دیگری به عنوان ابزار ارتکاب جرم ناشی می‌شود.

۴. اشتقاق چندگانه^۱

مسئولیت کیفری اشتقاقی تنها محدود به اشتقاق یک مرحله‌ای نیست. اشتقاق چندگانه حالتی است که در آن مسئولیت کیفری چندین نفر از مسئولیت کیفری یکدیگر سرچشمه می‌گیرد. اشتقاق چندگانه دو نوع است: سریالی یا موازی. در ادامه اشتقاق سریالی و موازی بررسی خواهد شد.

۴-۱. مسئولیت کیفری اشتقاقی سریالی

اشتقاق سریالی زمانی رخ می‌دهد که از یک مسئولیت کیفری اشتقاقی، مسئولیت کیفری دیگری سرچشمه بگیرد؛ در واقع، مسئولیت کیفری اشتقاقی اول، برای مسئولیت کیفری اشتقاقی دوم به مثابه مسئولیت کیفری اصلی می‌باشد. این گونه از مسئولیت کیفری اشتقاقی محدود به دو مرحله نیست و می‌تواند برای بار سوم، چهارم، پنجم و بیشتر نیز رخ دهد (Hallevy, 2012: 71). مسئولیت کیفری اشتقاقی سریالی یک نگره نظری صرف نیست، بلکه بسیار در واقعیت رخ می‌دهد؛ برای مثال، فرد الف می‌خواهد فرد ب را به قتل رساند، ولی مهارت کافی را ندارد. او فرد ج را می‌شناسد که آدم‌کش ماهری است، ولی خود به خاطر ترس از پلیس نمی‌تواند با وی مستقیم ارتباط برقرار کند. او فرد د را که دوست مشترکش با ج است، مأمور می‌کند تا بگوید که فرد ب را به قتل رساند. این وضعیت در جرم‌های سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته دیده می‌شود (Horder & Hughes, 2009: 398) و تنها زمانی می‌تواند جرم‌انگاری شود که مسئولیت کیفری اشتقاقی سریالی در قانون پذیرفته شده باشد. در مثال پیش‌گفته اگر قتل رخ دهد، معاونت در قتل و معاونت در معاونت در قتل نیز تحقق خواهند یافت.

گفتنی است که مسئولیت کیفری اشتقاقی از نوع سریالی به یک نوع از مسئولیت کیفری اشتقاقی محدود نیست و ممکن است چند نوع مسئولیت کیفری

با هم مشترکاً به صورت سریالی اتفاق افتند. مثل این که فردی معاونت در شرکت در جرم نماید یا این که شرکت در معاونت نماید. در حقوق ایران در خصوص مسؤولیت کیفری اشتقاقی سریالی اختلاف نظر وجود دارد؛ شماری بر این باورند که جرم شناختن رفتار معاون منوط به اجرای کامل آن است و اگر معاونت به هر دلیلی صورت نگیرد و یا در مرحله شروع به اجرا باقی بماند، رفتار مذکور جرم نیست و نتیجه می‌گیرند معاونت در شروع به جرم مجازات دارد، ولی شروع به معاونت مجازات ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۵۵؛ منصورآبادی، ۱۳۹۹: ۲۳۲؛ برهانی و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۷۶). برخی دیگر از حقوق‌دانان در کنار معاونت در شروع به جرم، شروع به معاونت را نیز ممکن دانسته‌اند. دیدگاه دوم به نظر صحیح‌تر می‌باشد؛ زیرا وقتی قانون مجازات اسلامی معاونت و شروع به جرم را جرم‌انگاری کرده است، دیگر دلیلی ندارد که شروع به معاونت سزاوار مجازات نباشد. در واقع، مسؤولیت کیفری معاون از مسؤولیت کیفری مباشر جرم سرچشمه می‌گیرد و مسؤولیت کیفری برای شروع به معاونت نیز از آن ریشه خواهد گرفت. از آنجایی که معاونت در جرم در حقوق ایران مقید به نتیجه می‌باشد، تصور شروع به معاونت نیز آسان است؛ بنابراین طبق قوانین کیفری، مانعی برای سزامندی شروع به معاونت وجود ندارد. به عنوان مثال، در مواردی که ارتباطی به منزله تحریک بوده ولی به گیرنده مورد نظر پیام نرسد، این جرم شروع به تحریک محسوب می‌شود.^۱ در قانون مجازات آلمان نیز شروع به معاونت در جرم جرم‌انگاری شده است.^۲ همچنین در حقوق انگلیس نیز شروع به جرم معاونت مجازات دارد.^۳ به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان ایرانی، معاونت در معاونت نیز سزاوار

1. R v Holliday (2017) 260 CLR 650; 91 ALJR 857; [2017] HCA 35 (06 September 2017). R v Shashati (2018) 85 MVR 194; [2018] NSWCCA 167 (03 August 2018). Devos v Raper [2006] WASC 167 (11 August 2006). [2024] PBRA 68. [2024] EWCA Crim 992.

2. Article 30(1) of the German Penal Code: A person who attempts to induce another to commit a felony or abet another to commit a felony shall be liable according to the provisions.

Article 30(2) of the German Penal Code: (2) A person who declares his willingness or who accepts the offer of another or who agrees with another to commit or abet the commission of a felony shall be liable under the same terms.

3. R v Kirkby [2000] 2 Qd R 57; (1998) 105 A Crim R 323; [1998] QCA 445 (22 December 1998)

مجازات است (نوربها، ۱۳۹۰: ۲۱۴؛ میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱: ۲۵۶).

همچنین سایر حالت‌های مسئولیت کیفری اشتقاقی سریالی از قبیل شرکت در شروع به جرم، شروع به تبانی یا معاونت در تبانی یا شرکت در معاونت نیز به نظر می‌رسد با مانعی در حقوق ایران رو به رو نباشند. رخ دادن معاونت در تبانی و تبانی در معاونت در حقوق ایران ممکن تلقی شده است. برخی باور دارند تحقق شروع به جرم در ارتکاب تبانی تصور ناپذیر به نظر می‌رسد؛ زیرا منظور از تبانی، نیل دو یا چند نفر به توافق برای ارتکاب جرم است. توافق یا حاصل می‌شود و یا حاصل نمی‌شود و تجزیه‌پذیر نیست تا حد وسطی که بتوان آن را شروع به تبانی محسوب کرد به وجود آید (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۱۸۵)، ولی به نظر می‌رسد به صورت کلی نمی‌توان شروع به تبانی را ناممکن دانست؛ چه بسا امروزه دیگر طرفین تبانی به صورت فیزیکی در کنار هم نیستند که در آن واحد به توافق برسند و ممکن است کیلومترها از همدیگر فاصله داشته و از طریق فضای مجازی و دارک وب تبانی را انجام دهند. از طرف دیگر، ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات^۱ برای تحقق جرم تبانی، فراهم سازی مقدمات اجرایی را نیز شرط دانسته است که می‌توان پیدایش توافق بین طرفین ولی فراهم نساختن مقدمات را شروع به تبانی دانست.

شماری با این استدلال که مسئولیت اشتقاقی چندگانه خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها می‌باشد، به آن انتقاد وارد کرده‌اند. در حالی که اصل قانونی بودن جرم‌ها و مجازات‌ها در حقوق کیفری خود اصل تفسیر غایی هنجارهای حقوق کیفری ماهوی را پذیرفته است (Hallevy, 2010). مسئولیت کیفری اشتقاقی برای پیشگیری کارآمد از پدیده‌های امروزی پذیرفته شده است. در غیر این صورت، شخصی که بخواهد بدون رویارویی با مسئولیت کیفری، مرتکب جرم شود، می‌تواند شخص دیگری را برای تحریک مرتکب به ارتکاب جرم تحریک کند. این طرز اندیشه، مشخصه بیشتر سازمان‌های جنایی است. حتی اگر «معاونت در معاونت» نیز به صورت مستقیم جرم‌انگاری شود، باز ممکن است حلقه‌های دیگری به آن افزوده شده و بزحکاران از مسئولیت کیفری رهایی یابند. تنها راه حل قانونی مفید برای

۱. هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعضاء یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

این بازگشت، به رسمیت شناختن اشتقاق چندگانه سریالی به عنوان شکل مشروع و سزایمند مسؤولیت کیفری اشتقاقی است. «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی» مصوب ۱۴۰۴ به درستی در ماده ۵ اشتقاقی بودن مسؤولیت کیفری اعضای گروه مجرمانه را پیش‌بینی نموده است. ماده یاد شده برای اشخاصی که آگاهانه در گروه مجرمانه عضویت داشته باشند، بابت جرائم ارتكابی اعضای گروه، مسؤولیت کیفری پیش‌بینی کرده است.

۲-۴. مسؤولیت کیفری اشتقاقی موازی

اشتقاق چندگانه موازی به شرایطی گفته می‌شود که در آن شکل‌های گوناگونی از مسؤولیت کیفری اشتقاقی از یک مسؤولیت کیفری اصلی گرفته می‌شود (Hallevy, 2012: 74). برای مثال، شخصی دیگری را به ارتكاب سرقت تحریک کرده و فرد ثالث نیز در ارتكاب جرم مشارکت می‌کند. در این مثال، معاونت و مشارکت هم‌زمان از مسؤولیت کیفری اصلی اشتقاق شده‌اند. ممکن است مسؤولیت کیفری اشتقاقی موازی همگی از یک نوع باشند، مثل این که در یک جرمی چند نفر به صورت مستقل معاونت نمایند؛ و یا این که از هر نوع وجود داشته باشد، مثل این که یکی معاونت و دیگری مشارکت نماید. اشتقاق‌های چندگانه موازی و سریال را می‌توان باهم ترکیب کرد. لازم نیست که اشتقاق‌های فراوان، موازی یا سریالی باشند؛ در ترکیب‌هایی که شامل اشتقاق‌های چندگانه موازی و سریال هستند، هر پیوند در زنجیره ممکن است موازی یا سریالی باشد، اگرچه کل زنجیره شامل پیوندهای موازی و سریالی است. به عنوان مثال، تحریک کننده «الف» و تحریک کننده «ب»، به‌طور جداگانه «پ» را تحریک می‌کنند تا «ج» را به ارتكاب سرقت تحریک نماید. تحریک‌های «الف» و «ب» نسبت به «پ» اشتقاق چندگانه موازی هستند، اما هر یک از آن‌ها همچنین به عنوان تحریک به ارتكاب سرقت عمل می‌کنند که نتیجه اشتقاق چندگانه سریالی است.

برآمد

۱- مسئولیت کیفری اشتقاقی با هدف گسترش دامنه پاسخ‌گویی کیفری به اعمالی که به طور مستقیم جرم محسوب نمی‌شود، اما به نحو مؤثری در شکل‌گیری یا تحقق آن دخیل‌اند، پا به عرصه ظهور گذاشته است. اگرچه نهادهایی نظیر مسئولیت کیفری نیابتی و مسئولیت عاریتی به صورت پراکنده و استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در قوانین جزایی ایران پذیرفته شده‌اند، اما «مسئولیت کیفری اشتقاقی» مفهومی گسترده‌تر و ساختاریافته‌تر است که توانایی تحلیل و پوشش اشکال متنوع‌تری از مداخله در تمامی جرم‌ها را دارد. این نظریه قادر است زنجیره‌های پیچیده ارتکاب جرم را، به ویژه در بستر جرائم سازمان‌یافته، به درستی تبیین نماید. در دنیای امروز که جرائم سازمان‌یافته، تروریسم، فساد مالی فراملی و جرائم سایبری با سرعت فزاینده‌ای در حال گسترش هستند، ساختار سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای این جرائم، اهمیت شناسایی مسئولیت اشتقاقی را دو چندان می‌کند. بدون وجود این ابزار حقوقی، بسیاری از طراحان اصلی، سرشاخه‌ها و تسهیل‌گران کلیدی در این شبکه‌ها می‌توانند از چنگال عدالت بگریزند و به بی‌کیفرمانی بزهکاران پنهان منجر شوند.

۲- مناسب است نظریه مسئولیت کیفری اشتقاقی، همانند مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در مورد مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری و مسئولیت اشخاص حقوقی، به صورت یک تئوری عام و فراگیر در قانون گنجانده شود؛ به گونه‌ای که جلوه‌های گوناگون آن نظیر معاونت در تبانی، تبانی برای معاونت در جرم، شروع به تبانی، شرکت در شروع به جرم و نیز نهادهایی مانند مسئولیت کیفری اقدام مجرمانه مشترک و... در قالب مقررات خاص و متناسب با هر دسته از جرائم، خصوصاً در عرصه جرائم سازمان‌یافته و پیچیده، به صراحت پیش‌بینی و تبیین گردد. به این ترتیب، خلأهای مفهومی موجود در قوانین فعلی برطرف می‌شود و عدالت کیفری در سطوح ساختاری و پیشگیرانه تقویت می‌گردد. این مفهوم فراتر از اشکال سنتی مشارکت یا معاونت در جرم، به نقش آفرینی‌های پیچیده‌تر و غیرمستقیم‌تر مانند تحریک، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و تسهیل‌گری می‌پردازد.

۳- نهادینه سازی مسئولیت کیفری اشتقاقی در سطح تقنینی، نیازمند دقت و

ظرافت ویژه‌ای است. قانون‌گذار باید با تعریف روشن و شفافِ مرز این مسئولیت، از گسترش بی‌ضابطه و خودسرانه دامنه مجازات‌ها جلوگیری کند و همچنین پاسخ‌گویی کیفری را متناسب با نقش واقعی، میزان نفع و درجه خطرآفرینی هر فرد در ارتکاب جرم تعیین نماید. این طبقه‌بندی تدریجی مسئولیت، به عادلانه‌تر شدن نظام پاسخ‌دهی کیفری و پیشگیری مؤثرتر از شکل‌گیری شبکه‌های مجرمانه کمک می‌کند. لازم است قانون‌گذار با رویکردی پویا و آینده‌نگر، ضمن پیش‌بینی اشتقاق چندگانه موازی و سریالی مسئولیت کیفری، مصادیق نوظهور آن نظیر «تحریک غیرمستقیم از طریق فضای مجازی»، «تسهیل‌گری فناورانه در جرائم سایبری» و «سازماندهی جرائم از راه دور» را به وضوح در قوانین کیفری جرم‌انگاری کرده و مجازات‌های متناسب با نقش، نفع و خطرآفرینی هر فرد تعیین کند تا ضمن پر کردن خلأهای قانونی، از گسترش بی‌ضابطه دامنه مسئولیت نیز جلوگیری نماید.

۴- در سطح قضایی، پذیرش صریح نهاد مسئولیت کیفری اشتقاقی در قانون، موجب ارتقاء دقت و انسجام در استدلال‌های قضایی می‌شود و ابزار تحلیلی قوی‌تری برای قضات فراهم می‌کند. با این حال، اجرای این مسئولیت با چالش‌های اثباتی مهمی رو به روست. اثبات «قصد مجرمانه» و «رابطه سببیت» بین عمل غیر مستقیم و نتیجه مجرمانه، در بسیاری از موارد دشوار است. نیاز به شواهد دیجیتال، تحلیل‌های شبکه‌ای و گاهی همکاری‌های بین‌المللی برای ردیابی افراد درگیر، از جمله چالش‌های اثباتی در این حوزه به شمار می‌رود.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهل و نهم، تهران: میزان.
- * اردبیلی، محمدعلی و فروتن، مصطفی (۱۳۹۵)، «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۳.
- * ابوالحسنی، رضا، بشیریه، تهمورث و یوسفی صادقلو، مهدی (۱۴۰۴)، «نقش جرایم سازمان یافته در حوزه ورزش به منظور تامین مالی تروریسم و سازکار مقابله با آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۹، شماره ۱۳۰.
- * برهانی، محسن و لطفعلی‌زاده، الهه (۱۴۰۱)، تأملات، چاپ نخست، تهران: قوه قضاییه.
- * جعفری، مجتبی (۱۳۹۶)، «بازاندیشی در مفهوم مسئولیت کیفری فعل غیر»، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۰.
- * حاجی‌بیگی، سحر و عالی‌پور، حسن و پاکزاد، بتول (۱۴۰۲)، «رابطه استناد در جرائم زیست محیطی در پرتو عاریتی‌سازی مسئولیت کیفری؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱.
- * درخشان، محمدرضا و رضایی، غلامحسین و فروتن، مصطفی (۱۳۹۹)، «مسئولیت کیفری مداخله‌کنندگان در گروه‌های مجرمانه در حقوق ایران و اسناد بین‌الملل»، سال سوم، شماره ۱.
- * رضائیان کوچی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مبانی مسئولیت کیفری عاریتی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و کامن‌لا)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- * رنجبر، حسین (۱۳۹۵)، مسئولیت کیفری نیابتی، چاپ نخست، تهران: شهر دانش.
- * سلیمانی، حمید (۱۴۰۱)، «مطالعه فقهی سازمان‌یافتگی جرم در پرتو اعانه بر اثم»، دو فصل‌نامه علمی - ترویجی مطالعات فقه امامیه، سال دهم، شماره ۱۹.
- * صبری، نورمحمد (۱۳۹۸)، آموزه‌های حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران:

مساوات.

* غلامی، علی و بحیرایی، امیرحسین (۱۳۹۶)، «فاعل معنوی جرم و ارتباط آن با عناوین مشابه»، فصل‌نامه تعالی حقوق، دوره ۳، شماره ۲۰.

* کوشا، جعفر و علیزاده، اکبر (۱۴۰۳)، «واکاوی مسئولیت کیفری ترور سردار سلیمانی بر مبنای اشکال مسئولیت کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۶.

* ملکی، علی و رنجبر، حسین و هدایتی، علی و رکنی، مهرداد (۱۳۹۳)، «مسئولیت کیفری نیابتی»، همایش ملی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.

* منصورآبادی، عباس (۱۳۹۹)، مختصر حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: میزان.

* میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۱)، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، چاپ سی‌ام، تهران: میزان.

* میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، جرائم علیه مصالح عمومی کشور، چاپ چهل و یکم، تهران: میزان.

* میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ نخست، تهران: دادگستر.

* نوریها، رضا (۱۳۹۰)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و نهم، تهران: دادآفرین.

* یکرنگی، محمد و شعبانی حمیدآبادی، فائزه (۱۴۰۱)، «عدم مداخله در رفتار مجرمانه و تحمیل مسئولیت کیفری: مسئولیت بر پایه اقدام بر اساس هدف مشترک در حقوق بین‌الملل و ایران»، تحقیقات حقوقی، شماره ۹۷.

* یوسفیان شوره‌دلی، بهنام و رسولی آستانی، لیلا (۱۳۹۷)، «بازاندیشی در تعریف شرکت در جرم برای مقابله با فعالیت‌های هماهنگ و گروهی مجرمانه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۱.

* یوسفیان شوره‌دلی، بهنام (۱۳۹۳)، «کانون مشترک مجرمانه: جستجوی توصیف مناسبی برای مسئولیت جنایتکاران بین‌المللی فراسوی مباشرت مادی»، تحقیقات

حقوقی، شماره ۶۸.

ب. انگلیسی

- * Baker, D. J. (2016a). **Reinterpreting criminal complicity and inchoate participation offences**. Routledge.
- * Britain, G. (2007). **Participating in crime**, First Ed, The Stationery Office.
- * Hallevy, G. (2012). **The Matrix of Derivative Criminal Liability**, First ed, Springer Science & Business Media.
- * Horder, J. (2019). **Ashworth's Principles of Criminal Law**. Oxford University press.
- * Horder, J., & Hughes, D. (2009). **Joint Criminal Ventures and Murder: The Prospects for Law Reform**. *King's Law Journal*, 20(3), 379–401. <https://doi.org/10.1080/09615768.2009.11423681>
- * K. Puji Prayitno, & D. Hapsari Retnaningrum. (2019). **Application of the Vicarious Liability Principles in Environmental Crime**. Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/icglow-19.2019.66>
- * Wang, Bo. (2018). **Participation in Crimes: An End to Derivative Complicity Liability?**, China, Law Press.